

1

انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم در برابر طالبان

سالار نامدار وندائی¹

حسین قریبی²

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ دریافت مقاله: 1400/11/25 تاریخ پذیرش مقاله: 1401/04/07

¹. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل salarvandayi@gmail.com

². دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل Gharibi14@yahoo.com

چکیده

از سال 2011 که شورای امنیت سازمان ملل متحد تصمیم به تفکیک فهرست واحد گروه‌های تروریستی و قرار دادن گروه طالبان در یک فهرست جداگانه گرفت، شاهد انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم در برابر طالبان هستیم. با این اقدام طالبان به‌عنوان گروهی که در داخل قلمرو افغانستان فعالیت می‌کند از سایر گروه‌های تروریستی مانند داعش و القاعده متمایز شد. انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم هم در بعد ساختاری و هم رویکردی وجود دارد. سؤال اصلی این پژوهش به چرایی انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم در برابر طالبان اختصاص دارد. مطابق با فرضیه نویسندگان مقاله، مصلحت حفظ صلح و امنیت افغانستان و مسئولیت‌پذیر ساختن طالبان در عرصه‌های داخلی و خارجی به‌عنوان گروهی که کنترل دولت را در دست دارد، مهم‌ترین دلیل انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم در برابر طالبان است. این پژوهش از روش اسنادی-کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده نموده و همچنین داده‌ها از طریق روش توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

• واژگان کلیدی

طالبان - افغانستان، تروریسم، شورای امنیت، رژیم بین‌المللی.

مقدمه

ظهور اشکال متعدد تروریسم، گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی و پیامدهای گسترده سیاسی - امنیتی این پدیده به‌ویژه در سطح فراملی و بین‌المللی، از دهه 90 میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد را بر آن داشته تا موضوع مقابله با تروریسم را ذیل مأموریت اصلی این شورا که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، در دستورکار خود قرار دهد. پس از حوادث یازدهم سپتامبر 2001، شورای امنیت طی سلسله قطعنامه‌هایی از جمله قطعنامه شماره 1373 که در 28 سپتامبر همان سال صادر شد، مجموعه‌ای از قواعد را به‌صورت نظام‌مند جهت «مقابله با تروریسم» وضع کرده است. در حقیقت شورای امنیت به‌منظور مقابله با تروریسم و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از رهگذر قطعنامه‌های خود اقدام به ایجاد رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم کرده و مهم‌ترین ویژگی، اثر و پیامد کارکردی این رژیم، ارائه قواعد و تکالیف الزام‌آور برای کشورهاست (قریبی و نامدار، 1399؛ 282). در چارچوب رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم، یکی از اقدامات شورای امنیت، تهیه فهرست¹ گروه‌های تروریستی است که برای اولین بار در سال 1999 و با شناسایی گروه طالبان به‌عنوان موجودیتی که با فعالیت‌های تروریستی موجب بی‌ثباتی افغانستان و به خطر انداختن صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود، انجام گرفت. شورای امنیت در قطعنامه 1267 ضمن تکلیف کشورها به انجام اقدامات مقابله‌ای علیه گروه طالبان، کمیته‌ای را تشکیل داد تا با رصد مستمر موضوع، گزارش‌هایی را به شورا ارائه دهد (Security Council Resolution 1267, 15 Oct, 1999). در طی سال‌های بعد، تحولات سیاسی - میدانی افغانستان، برخی از دولت‌های غربی (The Guardian, 19 Jul, 2010)، و حتی دولت افغانستان در زمان ریاست جمهوری حامد کرزای (New York Times, 3 Feb, 2014)، را به سمت مذاکره با طالبان جهت تغییر رفتار این گروه و حصول توافقی برای صلح و ثبات در افغانستان سوق داد. با این تحول، شورای امنیت نیز در قطعنامه شماره 1989، کمیته تشکیل شده برای رصد گروه‌های تروریستی را مکلف کرد که با بررسی فوری و مورد به مورد؛ افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی که طبق معیارهای مشخص شده، دیگر تروریستی محسوب نمی‌شوند را از فهرست خارج کند (Security Council Resolution 1989, 17 Jun, 2011). این اقدام موجب انعطاف در رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم پیرامون افراد و گروه‌های تروریستی در چارچوبی معین و با

¹. Listing

اهدافی مشخص گردید؛ موضوعی که مسئله‌ی محوری پژوهش پیش رو را تشکیل می‌دهد. لذا این سؤال مطرح است که «چرا رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت در مواجهه با گروه طالبان دچار انعطاف ساختاری و کارکردی شده است؟». بر مبنای فرضیه نویسنده‌گان، رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت بر مبنای امکان تغییر رفتار طالبان و هم‌زمان با پیگیری راهکارهای سیاسی از سوی قدرت‌های خارجی ذی‌نفوذ در افغانستان، با اتخاذ رویکردی منعطف، زمینه مذاکره با این گروه و ورود آن به ساختار سیاسی افغانستان را فراهم کرده است. در واقع عامل کلیدی که می‌تواند مستثنی بر رعایت الزامات فصل هفتمی شورای امنیت در ارتباط با مقابله با تروریسم باشد، مصلحت «حفظ صلح و امنیت» در افغانستان است. با قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان، سازوکار مقابله با تروریسم شورای امنیت برای جهت‌دهی به رفتار طالبان از اهمیت بیشتری برخوردار شده است و احتمالاً رویکرد آتی این نهاد تابعی از رفتارها و سیاست‌های داخلی و خارجی طالبان خواهد بود. درخواست صریح و رسمی طالبان برای خارج شدن از فهرست تروریسم سازمان ملل متحد (ایسنا، آبان 1400) در قبال انجام تعهدات، مؤید این گزاره است.

رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد

اگر تعریف استفن کراسنر از رژیم بین‌المللی را بپذیریم که عبارت است از «مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری که به‌واسطه آن توقعات بازیگران بین‌المللی حول یک موضوع مشخص باهم تلاقی نموده و خواسته‌های آن‌ها برآورده می‌شود» (Krasner, 1983: 2)، می‌توانیم در چارچوب آن سازوکار و نوع مواجهه شورای امنیت سازمان ملل - متحد با پدیده تروریسم را مورد بررسی قرار دهیم.

شورای امنیت که در طول جنگ سرد به‌صورت موردی به موضوع تروریسم ورود می‌کرد، پس از حوادث یازدهم سپتامبر سال 2001، با اتخاذ رویه‌ای جدید، تروریسم را به‌صورت یک دستورکار جدی موردتوجه قرارداد (رنجکش و پورجواد، 1394؛ 391) که به‌مرورزمان و طی سال‌های بعد منجر به شکل‌گیری رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شد. در این راستا، شورای امنیت از جایگاه نهاد بین‌المللی که مسئولیت عالی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، اقدام به وضع مجموعه‌ای از اصول، قواعد و هنجارها کرده است؛ تا به یک مبارزه جمعی بین‌المللی علیه تروریسم شکل داده و از این طریق یکی از توقعات مهم جامعه بین‌المللی درخصوص از بین رفتن تهدیدات تروریستی را محقق سازد.

مانند رژیم‌های بین‌المللی که از دو بخش «ماهوی» و «اداری - تشکیلاتی» تشکیل شده‌اند، در رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم نیز می‌توان این دو بخش را تشخیص داد. قطعنامه شماره 1373 شورای امنیت که در 28 سپتامبر 2001 صادر شد، سنگ بنای اولیه و چارچوب اساسی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم به شمار می‌آید که اصول بخش ماهوی از جمله سازوکار عملکرد و اهداف آن را مشخص کرده است (کدخدایی، 1390).

بنابراین اصول بخش ماهوی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم را می‌توان از قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت از جمله قطعنامه 1373، 2178 و 2322 استخراج کرد. به صورت اجمالی این اصول الزام‌آور و لازم‌الرعایه برای کشورها عبارتند از: «تعریف و شناسایی تروریسم»، «الزام دولت‌ها به همکاری جهت سرکوب تروریسم»، «منع پشتیبانی از تروریسم»، «اجرای تحریم‌های وضع شده از سوی شورای امنیت» و «جرمانگاری و تعقیب کیفی تروریسم» (قربی و نامدار، 1399؛ 282).

در کنار اصول بخش ماهوی، کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت، مدیریت اجرایی دبیرخانه آن و همچنین ساختارهایی که در قالب گروه ویژه اقدام مالی و سایر نهادهای بین‌المللی مانند: ایکائو¹ یا اینترپل² ایجاد شده‌اند و به شورا گزارش می‌دهند، جزء اداری - تشکیلاتی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم را تشکیل می‌دهند (قربی و نامدار و ندایی، 1399؛ 258).

مهم‌ترین ویژگی، اثر و پیامد کارکردی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم را می‌توان ارائه قواعد و تکالیف الزام‌آور برای کشورها دانست که در اصول بخش ماهوی این رژیم متجلی است و کم و کیف اجرای آن توسط نهادهای ایجاد شده در قالب ساختار اداری - تشکیلاتی این رژیم به صورت مستمر رصد و گزارش می‌شود.

در این پژوهش، تمرکز بر بررسی انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم در ایجاد تکالیف الزام‌آور برای کشورها و دلایل این انعطاف است. به عبارتی دیگر، مطالعه و سنجش تأثیر «ارجحیت حفظ صلح و امنیت» بر «رویکرد رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شورای امنیت» منظور نظر است. آن گونه که در مورد گروه طالبان افغانستان مشاهده می‌شود، علی‌رغم الصاق این گروه به فهرست گروه‌های تروریستی برای سالیان متمادی، شورای امنیت با ترجیح مصلحت صلح و امنیت، در رابطه با این گروه، انعطاف به خرج داده و از این طریق، زمینه لازم برای ورود رسمی طالبان به قدرت و تشویق آن‌ها به فرایند گفتگوهای سیاسی و نهایتاً تغییر رفتار به‌عنوان دولت مستقر در افغانستان را فراهم می‌سازد.

1. The International Civil Aviation Organization

2. The International Criminal Police Organization

فهرست تروریسم رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم

سازوکار اصلی و ابزار اساسی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تعیین مصادیق گروه‌های تروریستی و تکلیف کشورها برای انجام اقدامات مقابله‌ای علیه آن‌ها «فهرست‌سازی» است. آنچه در قالب فهرست تروریسم رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و مطالبه شورای امنیت قرار دارد، شامل افراد و گروه‌های مندرج در این فهرست می‌شود که به‌صورت ماهانه به‌روزرسانی شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. دولت‌ها این الزام را دارند که ضمن فراهم آوردن بستر لازم حقوقی و اجرایی، مستمراً در مورد اجرای تحریم‌های شورای امنیت در مورد این فهرست، اقدامات خود را به شورا گزارش نمایند (قریبی، 1398؛ 8).

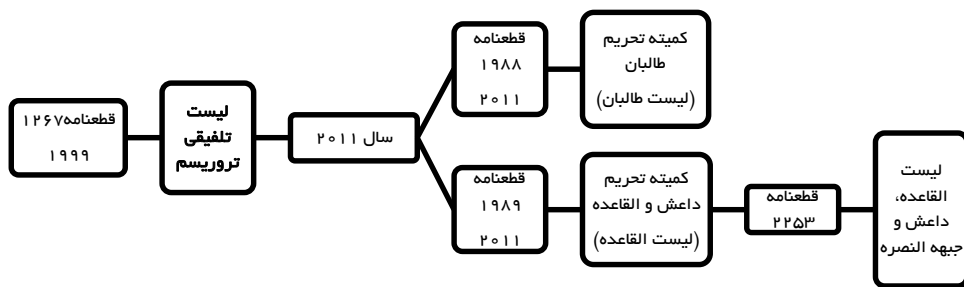
سابقه فهرست‌سازی از گروه‌های تروریستی توسط شورای امنیت به سال 1999 میلادی باز می‌گردد. در این سال، متعاقب خودداری طالبان از استرداد «اسامه بن‌لادن» رهبر گروه القاعده که متهم به بمب‌گذاری‌های سال 1989 در سفارت‌خانه‌های ایالات متحده آمریکا در کنیا و تانزانیا بود، شورای امنیت در قالب قطعنامه 1267، طالبان و وابستگان این گروه شامل افراد و سازمان‌ها را در یک فهرست به‌عنوان گروه‌های تروریستی قرار داد که متعاقباً تحت عنوان «فهرست تلفیقی»¹ تروریسم شناخته شد. در فهرست تلفیقی؛ افراد، گروه‌ها و مجموعه‌های وابسته به طالبان و القاعده بدون توجه به حوزه و گستره جغرافیایی فعالیت آن‌ها، به‌عنوان تروریست شناخته می‌شدند و با آن‌ها به‌صورت یکسانی برخورد می‌شد (Huber and Rodiles; 29 June 2011).

تا سال 2011، فهرست تلفیقی تروریسم شامل دو گروه عمده طالبان و القاعده و افراد و گروه‌های وابسته به آن‌ها می‌شد. در این سال، شورای امنیت طی قطعنامه 1988، اعلام کرد که از تاریخ تصویب این قطعنامه، طالبان و افراد و گروه‌های وابسته به آن دیگر ذیل فهرست تلفیقی (که شامل القاعده نیز می‌شد) قرار نخواهند داشت. همچنین شورا در پاراگراف 30 قطعنامه 1988 سال 2011 با تشکیل یک کمیته جدید، عملاً فهرست جدید و مستقلی را برای طالبان و افراد و گروه‌های وابسته به آن معرفی کرده‌است (Security Council Resolution 1988, 17 Jun 2011).

در اقدام بعدی شورا با صدور قطعنامه شماره 1989 تصمیم گرفت تا باقیمانده فهرست تلفیقی را که شامل گروه القاعده بود را نیز در فهرست جداگانه و جدیدی جای دهد. به‌این ترتیب، دو فهرست القاعده و گروه‌های وابسته، «فهرست طالبان» یا «فهرست 1988» تشکیل شدند. فهرست طالبان عمده‌تأ شامل افراد و گروه‌هایی می‌شود که تهدیدی علیه صلح و ثبات در افغانستان به شمار

¹ Consolidated list

می‌آیند (United Nations designated terrorist groups, 2018). در نهایت هم در سال 2015 و طی قطعنامه 2253، شورای امنیت فهرست القاعده را توسعه داد و داعش، جبهه النصره و وابستگان آن‌ها در آن فهرست جای گرفتند. شورای امنیت امور اجرایی فهرست‌ها را به «کمیته 1988» یا «کمیته تحریم‌های طالبان» و «کمیته تحریم‌های داعش و القاعده» سپرده است. هر کمیته آیین‌نامه اجرایی جداگانه و منحصر به فرد خود را دارد که طبق آن عمل می‌کند.



همان‌گونه که توضیح داده شد، مشخص است که تا سال 2011، شورای امنیت مجموعه اقدامات مقابله‌ای علیه سازمان‌ها، افراد و گروه‌های تروریستی که عمدتاً شامل طالبان و القاعده می‌شد را تحت عنوان یک فهرست واحد به اجرا درمی‌آورد. اما از سال 2011، تصمیم گرفته‌است که با ایجاد فهرست اختصاصی برای طالبان افغانستان، این گروه را از القاعده جدا کند. در درجه اول این‌گونه به نظر می‌رسید که اقدام شورای امنیت در تفکیک فهرست تلفیقی تروریسم به لحاظ گستره عملیات گروه‌های تروریستی بوده‌است. به عبارتی دیگر، شورا تصمیم گرفت القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی که فعالیتشان محدود به جغرافیای خاصی نمی‌شود را در فهرست مجزایی قرار داده و از طالبان که فعالیتش محدود در جغرافیای افغانستان است، متمایز کند. اما این اقدام، در واقع زمینه لازم برای انعطاف رویکرد در رابطه با طالبان افغانستان را فراهم آورده است که طبق فرضیه این پژوهش به دلیل لحاظ مصلحت حفظ صلح، امنیت و ثبات در افغانستان بوده است. مهم‌ترین نقاط تفاوت رویکرد شورای امنیت نسبت به گروه‌های تروریستی در قالب فهرست تلفیقی و فهرست مجزا را می‌توان در جدول زیر نشان داد:

رویکرد شورای امنیت نسبت به گروه‌های تروریستی طالبان، القاعده و داعش	
در قالب فهرست تلفیقی (تا 2011)	در قالب فهرست‌های مجزا (از 2011 تاکنون)
عدم توجه به گستره جغرافیایی فعالیت	تفکیک طالبان از دیگر گروه‌ها بر مبنای جغرافیایی فعالیت
عدم نقش محوری دولت‌های درگیر	اعطای نقش به دولت افغانستان در فرایند تعامل با طالبان
تمرکز صرف بر مقابله با تروریسم باهدف ریشه‌کن کردن آن	توجه به عامل صلح و ثبات در تحولات سیاسی افغانستان

در ادامه، تلاش می‌شود که دو گزاره موردبررسی و آزمون قرار گیرند؛ اول اینکه «اقدام شورای امنیت در تفکیک فهرست طالبان از فهرست القاعده، داعش و جبهه النصره به معنای زمینه‌سازی برای انعطاف در برابر این گروه محسوب می‌شود». برای این منظور، مناسب‌ترین روش بررسی مقایسه‌ای سازوکار کمیته‌های طالبان و القاعده است. دوم این‌که انعطاف شورای امنیت در برابر طالبان بر مبنای لحاظ مصلحت حفظ صلح، ثبات و امنیت در افغانستان از طریق مشارکت این گروه در فرایند سیاسی این کشور بوده است. برای آزمون گزاره دوم، بررسی و مطالعه سمت‌وسوی اوضاع سیاسی داخلی افغانستان و نقش بازیگران خارجی در این کشور مورد تمرکز قرار خواهد گرفت.

سازوکار اجرایی کمیته‌های تحریم طالبان و داعش - القاعده

کمیته‌های تحریم گروه‌های تروریستی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای «طالبان» و «داعش-القاعده»، هر یک طبق سازوکار ویژه‌ای که در آیین‌نامه‌های جداگانه و منحصر به فرد تدوین شده‌اند، فعالیت می‌کنند.

کمیته تحریم طالبان متعاقب قطعنامه شماره 1988 شورای امنیت که در 17 ژوئن سال 2011 صادر شد، ایجاد گردید. شرح وظایف و سازوکار عملکرد این کمیته در آیین‌نامه ویژه‌ای که در 30 نوامبر همان سال تدوین شد، مشخص شده است. این آیین‌نامه پس از تهیه، مجموعاً سه بار در 15 آوریل و 29 جولای 2013 و 3 دسامبر 2018 مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است. این کمیته ارگان اجرایی زیرمجموعه شورای امنیت¹ محسوب شده و از تمام اعضای شورا تشکیل می‌شود. رئیس کمیته توسط شورای امنیت و با لحاظ توانایی‌های شخصی منصوب می‌شود. رئیس

¹. Security Council's Subsidiary Organ

کمیته دو معاون دارد که ضمن مساعدت، در غیاب وی جلسات را اداره می‌کنند (Guidelines of the 1988 Committee for the Conduct of its Work, 3 Dec 2018).

کمیته فعلی تحریم داعش - القاعده، ادامه همان کمیته‌ای است که شورای امنیت در 15 اکتبر 1999 طی بند 6 قطعنامه 1267 برای تحریم طالبان ایجاد کرده بود که در سال 2011 با قطعنامه‌های 1988 و 1989، شورا تصمیم به خارج کردن طالبان از دستورکار آن و تأسیس کمیته‌ای جداگانه برای این منظور گرفت¹. مانند کمیته تحریم طالبان، کمیته تحریم داعش - القاعده نیز ارگان اجرایی زیرمجموعه شورای امنیت محسوب شده و از تمام اعضای این شورا تشکیل می‌شود. رئیس کمیته توسط شورای امنیت و با لحاظ توانایی‌های شخصی منصوب می‌شود. رئیس این کمیته هم دو معاون دارد (Guidelines of the ISIL and Al-Qaide Committee for the Conduct its work, 5 Sep 2018).

«دستورکار»، «نحوه برگزاری جلسات»، «نحوه تصمیم‌گیری»، «فرایند درج و حذف نام افراد و گروه‌های مرتبط در فهرست تروریسم»، «نحوه به‌روزرسانی فهرست تروریسم»، «شاخص‌های شناسایی به‌عنوان فرد یا گروه تروریستی» و «استثنائات تحریم» مهم‌ترین مواردی هستند که در آیین‌نامه کمیته‌های تحریم طالبان و داعش - القاعده به آن‌ها پرداخته شده است. بررسی این موارد در آیین‌نامه‌های دو کمیته و مقایسه آن‌ها می‌تواند این گزاره را که «آیا رویکرد شورای امنیت نسبت به طالبان منعطف‌تر از رویکرد این نهاد نسبت به سایر گروه‌های تروریستی است یا خیر؟»، را مشخص سازد.

دستورکار

دستورکار کمیته تحریم طالبان طبق آیین‌نامه، در پاراگراف شماره یک قطعنامه‌های 1988 سال 2011، که در قالب پاراگراف شماره یک قطعنامه 2255 سال 2015 عیناً تکرار شده، بیان شده است. در این قطعنامه‌ها، کشورها به اجرای اقدامات مقابله‌ای علیه گروه طالبان، افراد، گروه‌ها و مجموعه‌هایی که تهدید علیه صلح، ثبات و امنیت در افغانستان محسوب می‌شوند، موظف شده‌اند. در این چارچوب دستورکار کمیته تحریم طالبان تشخیص مصادیق افراد و گروه‌های وابسته به طالبان و اعلام آن‌ها در قالب یک لیست است (Security Council Resolution 2255, 21 Dec, 2015).

¹ سازوکار کمیته تحریم داعش - القاعده آخرین بار در سال 2015 طی قطعنامه 2253 مورد بازبینی قرار گرفته است.

برخلاف کمیته تحریم طالبان، منابع دستور کار کمیته تحریم داعش - القاعده از منابع متعدد و متنوعی تشکیل شده است.¹ مجموعه این منابع، اقدامات مقابله‌ای مشخصی را برای مقابله با گروه‌ها و افرادی که «تروریست» شناخته می‌شوند، در نظر گرفته است. بررسی دستور کار کمیته‌های تحریم طالبان و تحریم داعش - القاعده نشان می‌دهد، هر دو کمیته موظف هستند که اقدامات مقابله‌ای و مشخصی را علیه گروه‌ها و افراد تروریستی به اجرا درآورند که در سه عنوان کلی «مسدودسازی منابع مالی»، «جلوگیری از تردد و نقل و انتقال تروریست‌ها» و «تحریم تسلیحاتی» می‌شود. لذا از نظر دستور کار، تفاوت مهمی میان کمیته تحریم طالبان و کمیته تحریم داعش - القاعده وجود ندارد.

نحوه برگزاری جلسات

هر دو کمیته جلسات فصلی و فوق‌العاده دارند که در صورت لزوم از افراد و نمایندگان کشورها برای حضور دعوت به عمل می‌آید. در این میان، سازوکار جلسات کمیته تحریم داعش - القاعده کمی متفاوت‌تر و پیچیده‌تر است. به عنوان مثال، در مواقعی که کمیته تحریم داعش - القاعده تصمیم به حذف نام فرد یا یک گروه تروریستی از فهرست مربوطه را بگیرد، رئیس کمیته الزاماً باید از بازرس رسیدگی به شکایات دعوت کند تا در جلسه مربوطه شرکت و گزارش خود را ارائه دهد (Guidelines of the ISIL and Al-Qaide Committee for the Conduct its work, 5 Sep 2018). در حالی که در کمیته تحریم طالبان چنین الزامی برای رئیس کمیته وجود ندارد و افراد دعوت شده به تناسب بوده و نقش مشورتی در فرایند تصمیم‌گیری دارند. از این جهت، کمیته تحریم طالبان در تشکیل جلسه برای حذف نام یک فرد آزادی و انعطاف نسبی دارد.

نحوه تصمیم‌گیری در کمیته‌ها

فرایند تصمیم‌گیری در هر دو کمیته به روش یکسان و بر مبنای اجماع سازی صورت می‌گیرد. بعد از جلسات کمیته، تصمیم پیشنهادی از طرف رئیس به اعضا ارائه می‌شود و اگر مخالفتی ابراز نشود، تصمیم پیشنهادی تصویب می‌شود. چنانچه به دلیل مخالفت یک عضو کمیته نتواند تصمیم‌گیری

¹. منابع دستور کار کمیته تحریم داعش - القاعده عبارتند از: پاراگراف 4 بند 2 قطعنامه 1267، پاراگراف 8 بند 3 قطعنامه 1333، پاراگراف 1 و 2 قطعنامه 1390 و پاراگراف 1 و 4 قطعنامه 1989. مفاد این قطعنامه‌ها در سایر قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه‌های 1526، 1617، 1735، 1822، 1904، 2083، 2161، 2253 و 2368 تکرار و مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

کند، موضوع به شورای امنیت جهت تعیین تکلیف نهایی ارجاع می‌شود (Guidelines of the ISIL and Al-Qaide Committee for the Conduct its work, 5 Sep 2018)

تفاوت بارز فرایند تصمیم‌گیری در کمیته تحریم طالبان نسبت به کمیته تحریم داعش - القاعده، نقش و تأثیر دولت افغانستان بوده است. کمیته تحریم طالبان مطابق با آیین‌نامه خود موظف بود در ضمن فرایند تصمیم‌گیری، همکاری و هماهنگی مستمری با دولت افغانستان داشته باشد. کمیته هم‌چنین موظف بود از نمایندگان دولت افغانستان جهت ارائه گزارش‌های دوره‌ای در مورد میزان اثربخشی تحریم‌های اعمال‌شده و فرایند تحقق صلح و ثبات در این کشور جهت شرکت در جلسات کمیته دعوت کند.

نقش‌آفرینی دولت افغانستان در فرایند تصمیم‌گیری کمیته تحریم طالبان نشان می‌دهد که شورای امنیت مقابله با طالبان را در چارچوب کلی صلح و ثبات افغانستان می‌دید. به همین دلیل، در این رابطه یکی از شاخص‌های اساسی تصمیم‌گیری در مورد درج و حذف نام افراد و گروه‌های مرتبط با طالبان در فهرست تروریسم، تأثیر بر فرایند صلح افغانستان بوده است. انعطاف این رویکرد خود را در مقایسه با رویکرد شورای امنیت نسبت به گروه‌های القاعده و داعش نشان می‌دهد. مقررات کمیته تحریم شورای امنیت در این رابطه بسیار سخت‌گیرانه‌تر است که این موضوع در فرایند درج و حذف نام افراد در فهرست تروریسم به‌خوبی مشخص می‌شود.

فرایند درج و حذف نام افراد و گروه‌های مرتبط در فهرست تروریسم

به‌روزرسانی یکی از الزامات فهرست‌سازی از گروه‌های تروریستی است. در مواردی تروریست‌ها در عملیات نظامی کشته می‌شوند و ادامه وجود نام آن‌ها در فهرست تروریسم موضوعیتی ندارد، در موارد دیگری نیز ممکن است فرد یا گروه تروریستی از اقدامات خود دست بردارد و یا این‌که اشتباهی نام کسی در فهرست درج‌شده باشد که ضرورت دارد زمینه لازم برای حذف نام آن‌ها از فهرست تروریسم وجود داشته باشد. در مواردی هم باید نام فرد یا افراد جدیدی به‌عنوان تروریست وارد فهرست شود.

در هر دو فهرست تحریم طالبان و داعش - القاعده، فرایند درج نام افراد و گروه‌های وابسته و به‌روزرسانی آن بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری‌شده، نام افراد یا گروه وابسته به طالبان یا داعش - القاعده انجام می‌شود. در صورتی که نام فرد یا گروه جدیدی به فهرست‌ها اضافه شود، اطلاعیه مربوط به آن به‌صورت عمومی منتشر می‌شود. تنها نقطه تمایز که در فرایند تصمیم‌گیری نیز وجود داشت، مشارکت دولت افغانستان و نقش مشورتی آن در این فرایند بود. در این چارچوب، درحقیقت

ملاحظه صلح و ثبات در افغانستان با محوریت دولت این کشور مدنظر قرار گرفته است. در حالی که فرایند درج نام افراد و گروه‌ها در فهرست داعش - القاعده منحصراً توسط اعضا کمیته انجام می‌شود. واضح است که ملاحظه مصلحت صلح و امنیت در افغانستان، علاوه بر نمایندگان دولت این کشور؛ از سوی قدرت‌های تأثیرگذار در افغانستان نیز مورد توجه جدی قرار گرفته و ابتکار جداسازی این دو فهرست، در واقع عمده‌تأثیر نتیجه رایزنی‌های این قدرت‌ها به‌عنوان اعضای دائم شورای امنیت بوده است. انعطاف رویکرد شورای امنیت در قبال طالبان نسبت به القاعده و داعش در فرایند تعریف‌شده جهت حذف نام افراد و گروه‌های وابسته از فهرست تروریسم مشهودتر بوده است. اگرچه فرایند حذف اساساً بر مبنای درخواست ارائه‌شده از سوی کشورها است، اما افراد و گروه‌های ذی‌نفع نیز می‌توانند درخواست خود را برای بررسی به کمیته ارائه دهند. در رابطه با فهرست داعش - القاعده، ملاک و معیار اساسی برای خروج افراد و گروه‌های وابسته از فهرست تحریمی، تأیید عدم اشتغال آن‌ها به فعالیت‌های تروریستی طبق شاخص‌های مشخص‌شده در پاراگراف 2 و 4 قطعنامه شماره 2368 سال 2017 است. در درخواست ارائه‌شده نیز دلایل لازم مبنی بر اینکه فرد یا گروه مورد اشاره دیگر به فعالیت تروریستی مشغول نیست، بیان شوند.

در مورد فرایند حذف نام افراد و گروه‌های وابسته به طالبان از فهرست تروریسم نقش دولت افغانستان به‌صورت برجسته مطرح بوده است. در این رابطه از دولت‌های عضو کمیته «قویاً خواسته‌شده»¹ است که درخواست‌های خود برای حذف نام افراد و گروه‌ها از فهرست تحریم طالبان را بعد از مشورت با دولت افغانستان ارائه کنند (Guidelines of the 1988 Committee for the Conduct of its Work, 3 Dec 2018). علاوه بر این فرایند تعریف‌شده به‌گونه‌ای است که افراد و گروه‌های وابسته به طالبان در صورت مشارکت در «فرایند صلح آ» این کشور به سهولت نام آن‌ها از فهرست تروریسم حذف می‌شود.

ملاحظه می‌شود که فرایند درج و حذف نام افراد و گروه‌های وابسته به طالبان با عامل بسیار مهم و تأثیرگذار «تحولات سیاسی - میدانی افغانستان» با محوریت دولت مستقر این کشور، گره خورده است. به‌عبارتی دیگر، رویه شورای امنیت به‌گونه‌ای است که با طالبان به‌مثابه یکی از مسائل و مشکلات داخلی افغانستان برخورد می‌کند و به‌تناسب تحولات سیاسی و تحقق صلح و ثبات در این کشور، نسبت به درج و حذف نام افراد و گروه‌های وابسته در فهرست تروریسم انعطاف نشان می‌دهد.

1. Strongly Urged

2. Peace Program

طالبان و تحولات سیاسی_میدانی افغانستان

دومین گزاره‌ای که مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد، ارتباط میان تحولات سیاسی - میدانی افغانستان با انعطاف رویکرد رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد است. طالبان پیش از اینکه یک گروه تروریستی محسوب شود، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرایندهای سیاسی افغانستان است. در حقیقت، این واقعیت در سال 2011 باعث شد تا شورای امنیت سازمان ملل متحد با پیشگامی کشورهای غربی و نظر مساعد دولت افغانستان، فهرست تحریم طالبان را از فهرست عمومی گروه‌های تروریستی تفکیک کند.

در همان مقطع، یعنی زمانی که شورای امنیت مقدمات تفکیک فهرست تروریسم خود را آماده می‌کرد، منابع دیپلماتیک این تحول را «یک پیام روشن» برای طالبان ارزیابی می‌کردند که ارتباط خود را با القاعده قطع کرده و به سمت مشارکت در فرایند صلح افغانستان حرکت کند (Reuters, June 2011). بر این مبنای، رویکرد شورای امنیت در مواجهه با طالبان یک رویکرد ابزاری است که در جهت تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی داخلی افغانستان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

ایده مذاکره با طالبان؛ ریشه‌ها و روندها

اگرچه لشکرکشی ایالات متحده آمریکا به افغانستان در اوایل قرن بیست و یکم عملاً باهدف حذف طالبان از سپهر سیاسی افغانستان صورت گرفت، اما تحولات بعدی نشان دادند که حذف طالبان به دلایلی نه ممکن و نه مطلوب است. این حقیقت که طالبان یک جنبش ریشه‌دار در واقعیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افغانستان است و مقابله صرفاً نظامی با آن ممکن نیست و هزینه‌های گزاف جنگ افغانستان به‌ویژه برای ایالات متحده و بریتانیا (حق پناه و عبدالملکی، 1392؛ 196)، به تدریج «ایده مذاکره با طالبان» را در محافل غربی و بین‌المللی مطرح و تقویت کرد. به عبارتی دیگر، این نکته که طالبان از نوعی مشروعیت بهره‌مند است و بخشی از جامعه افغانستان را نمایندگی می‌کند، نقطه عزیمت تمام بحث‌هایی است که در مورد نوع مواجهه با طالبان صورت می‌گیرند (Knawal, 2013).

ایده مذاکره با طالبان را باید به‌عنوان یک موضوع چندوجهی نگریند که توسط بازیگران متعدد، در برهه‌های زمانی مختلف و با انگیزه‌های غیریکسانی شکل گرفته است. اولین گام در این فرایند را دولت پاکستان در سال 2004 میلادی و با هدف مذاکره با بخش پاکستانی طالبان برداشت، به این امید که بتواند بر رویکرد این بخش نسبت به تحولات افغانستان تأثیر بگذارد. یک سال بعد در 2005، دومین گام را دولت افغانستان با ابتکار ادغام بخشی از جنگ‌جویان طالبان در

ساختار قانونی افغانستان¹ برداشت. اما مهم‌ترین بخش از فرایند شکل‌گیری «ایده مذاکره با طالبان» زمانی آشکار شد که در سال 2009 باراک اوباما به جای جرج دبلیو بوش زمام ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا را در دست گرفت (Cooper & Stolberg, 2009). در این چارچوب ملاحظه می‌شود که بین سالهای 2004 تا 2009، در حالی که دغدغه اصلی پاکستان در مذاکره با طالبان، حفظ امنیت داخلی خود بود و دولت افغانستان از این مذاکرات تحقق توقف جنگ داخلی در این کشور را دنبال می‌کرد، آمریکایی‌ها مذاکره با طالبان را مقدمه‌ای برای خروج آبرومندانه و بر مبنای یک روایت قابل قبول تلقی می‌کردند. بعداً نیز کشورهای دیگر، مذاکراتی را با طالبان به صورت آشکار صورت دادند.

بر این مبنای ریشه‌های «ایده مذاکره با طالبان» را باید در حقایق پیرامون پدیده طالبان جستجو کرد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین بازیگران تاثیرگذار بر مسئله افغانستان از جمله؛ کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، دولت افغانستان و همسایگان این کشور مانند؛ پاکستان و ایران به این جمع‌بندی مهم و راهبردی رسیده‌اند که طالبان بخشی از ساخت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان است و دستیابی به صلح و ثبات پایدار در افغانستان نیازمند گذار از مواجهه تک‌بعدی نظامی و طراحی یک راهبرد جامع است. این فهم جدید از ماهیت طالبان که به‌مرور و طی سال‌های 2001 تا 2010 حاصل شده است، در نوع کنش‌گری بازیگران تاثیرگذار بر مسئله افغانستان بازتاب آشکاری داشته که در قالب «مذاکره با طالبان» نمود پیدا کرده است. درنهایت، تسلط این گروه بر افغانستان در تابستان سال 2021 بازیگران دخیل در افغانستان را با یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر مواجه کرد و آن مواجهه با طالبان به‌عنوان یک دولت مستقر است.

اگرچه بازیگران مختلف اهداف به‌ظاهر غیریکسانی را از مذاکره با طالبان دنبال می‌کنند، اما مهم‌ترین محور مشترک آن‌ها، دستیابی به صلح و ثبات در افغانستان است. خاموشی شعله‌های آتش جنگ داخلی افغانستان، توقف صدور ناامنی از این کشور به محیط داخلی همسایگان (پاکستان و ایران) و خروج نیروهای خارجی حاضر در افغانستان همگی در نقطه تحقق ثبات پایدار در افغانستان متلاق می‌شوند که آن نیز درگرو ادغام و مشارکت طالبان در ساخت سیاسی افغانستان است.

¹. Reintegration Initiative



مذاکره با طالبان بر منطق «مسئولیت‌پذیرسازی» بازیگر آشوب‌ساز قرار دارد. در این چارچوب، بازیگران مؤثر در مسئله افغانستان امیدوارند با دادن امتیازاتی مانند خروج نام افراد و مقامات طالبان از فهرست تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد بتوانند طالبان را که اکنون زمام امور کشور را در دست دارد نسبت به حفظ صلح و امنیت در این کشور مسئولیت‌پذیر کنند.

طالبان و تمایل برای مذاکره

تمایل برای مذاکره با طالبان یک‌طرفه نبوده است. رهبران نیز طالبان مکرراً نشان داده‌اند که حاضرند در مورد مسئله افغانستان با بازیگران خارجی بر سر میز مذاکره بنشینند. در این راستا، طالبان دفتر سیاسی خود را در سال 2012 در دوحه قطر افتتاح کرد. اگرچه وجود این دفتر به معنی به رسمیت شناختن طالبان نبود، اما وجود گرایش و اراده قوی برای پیشبرد فرایند مذاکره و حصول نتیجه را نشان می‌داد. در این رابطه، برخی پذیرش افتتاح دفتر سیاسی طالبان در دوحه قطر را حاکی از تغییرات بنیادین در رویکرد این گروه می‌دانستند. کنش‌های طالبان در همان مقطع صحت این ارزیابی‌ها را نشان می‌داد، به‌ویژه زمانی که ملا عمر در سال 2012 در پیام خود به مناسبت عید فطر به موضوع حقوق زنان از جمله آموزش اشاره کرد (Knawal, 2013).

در فرایندی که نقطه عطف آن با افتتاح دفتر سیاسی طالبان در دوحه قطر رقم خورد، طالبان یک رویکرد عمل‌گرایانه برای مذاکره بر سر موضوعاتی مشخص را به نمایش گذاشت. در عین حال، نشانه‌هایی نیز وجود دارد که اتخاذ رویکرد جدید مبتنی بر مذاکره موجب بروز اختلافاتی در داخل این جنبش شده است.

مذاکره و انعطاف؛ تلاقی دو رویکرد

از سال 2001 که طالبان با حمله ایالات متحده قدرت رسمی سیاسی را در افغانستان از دست داد، فرایند مقابله بین‌المللی با آن در چارچوب رژیم مقابله با تروریسم بین‌المللی نیز شکل گرفت که در

بخش‌های پیشین به تفصیل پیرامون آن بحث شد. ستون فقرات اقدامات مقابله‌ای این رژیم علیه طالبان، ارائه مجموعه‌ای از تحریم‌ها علیه اعضا و تشکیلات طالبان است. به عبارتی دیگر برخورد با طالبان در دو سطح نبرد میدانی در خاک افغانستان و مقابله بین‌المللی در قالب رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و تحریم صورت گرفته است. نکته مهم در این خصوص، رابطه همبستگی میان دو رویکرد میدانی و بین‌المللی است که توضیح، تحلیل و تبیین آن در این پژوهش موردنظر است.

در ژوئیه 2011 که کمیته تحریم القاعده - طالبان تصمیم گرفت نام 14 نفر از رهبران طالبان را از فهرست تحریم خود خارج کند. این اقدام بیش از هر چیز، یک زمینه‌سازی آشکار برای تسهیل مذاکرات طالبان با ایالات متحده آمریکا بود. خروج از فهرست تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواسته‌ای بود که مستمراً از سوی طالبان به‌عنوان یک پیش‌شرط برای انجام مذاکره مطرح می‌گردید (Reuters, 2016). با بررسی سوابق، به نظر می‌رسد که شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به‌منظور تسهیل فرایند مذاکره با طالبان و با هدف نهایی ادغام این جنبش در ساختار سیاسی افغانستان، انعطاف لازم را از طریق حذف از فهرست سیاه یا تعلیق تحریم علیه برخی از اعضای آن نشان داده است.

بررسی سوابق تاریخی نشان می‌دهد پیشینه ارتباط و مذاکره طالبان و ایالات متحده آمریکا به اوایل دهه 90 میلادی برمی‌گردد. در این برهه ارتباط آمریکا و طالبان بیشتر با محوریت کمپانی‌های نفتی و اجرای پروژه‌های موردنظرشان در آسیای میانه، افغانستان و پاکستان بود. این ارتباطات حتی تا چند هفته پیش از وقوع حوادث یازده سپتامبر 2001 ادامه داشت و در سطح ملاقات معاون وزیر خارجه ایالات متحده با سفیر طالبان در پاکستان صورت می‌گرفت (Brisard & Dasquie, 2002).

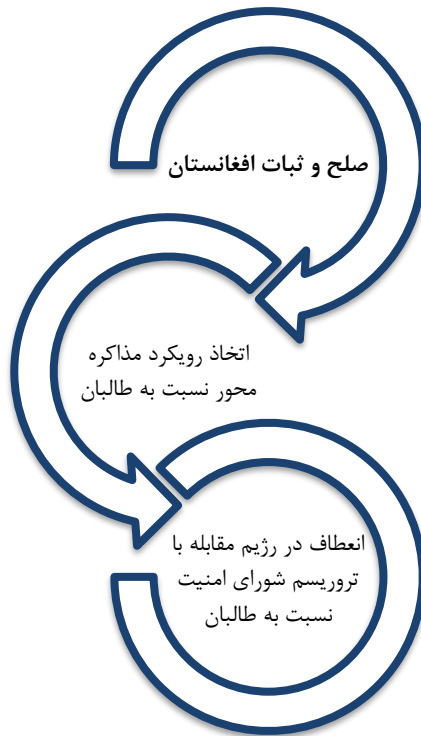
بلافاصله پس از حوادث یازدهم سپتامبر 2001، جرج دبلیو بوش رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده اعلام کرد که هیچ کشوری حق مذاکره با تروریست‌ها را ندارد و تا یک سال پس از استقرار دولت باراک اوباما، هیچ‌گونه مذاکره‌ای حداقل به‌صورت علنی میان آمریکا و طالبان صورت نگرفت. در این برهه که بین سپتامبر 2001 تا مارس 2009 میلادی قرار دارد، رویکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها علیه طالبان و ممنوعیت هرگونه مذاکره و ارتباطی با آن بود. در سال 2009 پس از مصاحبه باراک اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده آمریکا با روزنامه نیویورک تایمز و اعلام یک رویکرد میانه نسبت به طالبان افغانستان (New York Times, 2009)، تحرکات در چارچوب مذاکره و تفاهم آغاز گردید.

به‌عنوان گام‌های آغازین، دولت باراک اوباما تمرکز خود را بر روی جذب اعضای طالبان که وابستگی فکری کمتری به این گروه داشته و بیشتر به‌عنوان نیروی پیاده‌نظامی عمل می‌کردند قرار داد. ایالات متحده آمریکا از طریق اعطای کمک‌های مالی تلاش داشت تا این دسته از اعضای طالبان را مجدداً در ساخت اجتماعی افغانستان ادغام کند (Christine, 2010)، اما پیام عید ملاعمر در سال 2011 که توسط طرف آمریکایی استقبال آشکار از گفت‌وگو تعبیر گردید، موجب شد تا نقطه تمرکز راهبرد ایالات متحده از «ادغام»¹ به «مصالحه»² با طالبان تغییر یابد (US News, 2012). اگرچه اولین دیدار مستقیم مقامات آمریکایی با «طیب آقا» نماینده طالبان، سال 2010 در مونیخ اتفاق افتاده بود، اما سال 2011 را باید شروع جدی مذاکرات بین دو طرف دانست. در این دو دور مذاکره میان ایالات متحده آمریکا و طالبان در دوحه قطر برگزار شد که بیشتر بر روی موضوعاتی مانند تبادل اسرا و زندانیان متمرکز بود. پس‌از این تحول، مذاکره با طالبان با افت‌وخیزهایی دنبال شده و همواره در دستور کار دو طرف قرار داشته است (Afghanistan: Background and U.S. Policy, 22 June 2022).

ملاحظه می‌شود که بین شروع فرایند مذاکرات میان آمریکا و طالبان و انعطاف رویکرد رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت که در سال 2011 و در قالب تفکیک فهرست تحریمی اتفاق افتاد، تقارن زمانی وجود دارد که نشان‌دهنده تلاقی دو رویکرد «مذاکره» و «انعطاف» جهت هم‌افزایی و تحقق ادغام طالبان در ساخت سیاسی افغانستان است. به‌عبارتی دیگر، متغیر «صلح و ثبات» افغانستان و لزوم تحقق آن از مسیر مصالحه با طالبان، در نهایت ایالات متحده آمریکا را مجاب به اتخاذ رویکرد مذاکره محور کرد و متعاقب این رویکرد، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز با نشان دادن انعطاف به‌نوعی هم‌افزایی با رویکرد مذکور را دنبال کرده است.

1. Reintegration

2. Reconciliation



نتیجه‌گیری

اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تفکیک فهرست گروه‌های تروریستی در سال 2011 و قرار دادن نام طالبان در فهرستی جداگانه، اولین نشانه انعطاف رویکردی و ساختاری رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم این شورا در قبال طالبان محسوب می‌شود. شاخص اصلی خروج نام افراد و مقامات طالبان از لیست تحریمی، مشارکت آن‌ها در فرایند سیاسی افغانستان و کنار گذاشتن اقدامات تروریستی بود. در این فرایند، نام بسیاری از افراد منتسب به طالبان از فهرست تحریمی خارج شد. با به قدرت رسیدن این گروه در افغانستان در تابستان 2021، انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شورای امنیت در مقابل طالبان احتمالاً به‌عنوان یک امتیاز در قبال تغییر رفتار و مسئولیت‌پذیر شدن این گروه به‌مثابه دولت مستقر در افغانستان دنبال خواهد شد. در این چارچوب، ممکن است شروطی مانند عدم حمایت از گروه‌های تروریستی و افراطی مانند القاعده و داعش و حتی تعامل و همکاری با نهادهای بین‌المللی برای مقابله با تروریسم جهت خروج نام افراد و مقامات

منتسب به طالبان از فهرست تروریسم مطرح شود. همان‌گونه که این گروه در مواضع رسمی خود صراحتاً ارتباط خود با القاعده و داعش را نفی می‌کند.

این روند کاملاً در راستای رویکردی است که کشورهایمانند ایالات‌متحده از سال 2011 برای مذاکره و مسئولیت‌پذیر کردن طالبان دنبال کرده‌اند و اکنون که این گروه در قدرت است، انتظار می‌رود با شتاب بیشتری دنبال شود. الزامات حکمرانی مانند نیاز به شناسایی بین‌المللی نیز به‌عنوان عامل عمده، طالبان را به سمت تعامل با هدف خروج از فهرست تروریسم شورای امنیت سوق می‌دهد. چراکه باوجود نام مقامات بلندپایه طالبان مانند «ملاعبدالغنی برادر» در فهرست تروریسم این گروه نمی‌تواند مانند هر دولت دیگری به ایجاد روابط دو و چندجانبه بین‌المللی اقدام کند.

نتیجه این که با استقرار طالبان به‌عنوان دولت افغانستان و مواجهه با الزامات حکمرانی از جمله نیاز به شناسایی بین‌المللی و ادامه روندی که از سال 2011 شروع شده است و در قالب آن، رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم در قبال تعامل و همکاری افراد و مقامات منتسب به طالبان از خود انعطاف رویکردی و ساختاری نشان داده است، انتظار می‌رود هم روند تعامل از سوی طالبان و هم انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم با سرعت بیشتری ادامه پیدا کند.

نهایتاً مشاهده می‌شود که دلیل اصلی انعطاف رویکردی و ساختاری رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال طالبان که با تفکیک فهرست تروریستی واحد در سال 2011 آغاز شد، مصلحت صلح و ثبات در افغانستان و در برهه کنونی که طالبان قدرت مسلط این کشور است، لزوم تغییر رفتار و مسئولیت‌پذیر کردن این گروه می‌باشد.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

1. حق پناه، جعفر، عبدالملکی، روح‌الله، (1392). مشارکت بریتانیا و ایالات متحده در افغانستان پس از 11 سپتامبر و دلایل ناکامی آن. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، 16(60)، صص 171-196
2. خبرگزاری دانشجویان ایران (1400)، «طالبان: به تعهداتمان عمل کردیم/ آمریکا رهبران طالبان را از فهرست تروریسم حذف کند»، 24 آبان. قابل بازیابی در آدرس زیر:

<https://www.isna.ir/news/1400061913942>

3. رنجکش، محمدجواد، پورجواد، الهه (1394)، «بررسی تطبیقی واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد به پدیده تروریسم قبل و بعد از 11 سپتامبر 2001»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، 2(47)، صص 369 - 391.
4. قاسمی، فائزه (1400)، «طالبان و سناریوهای منطقه ای پیش رو»، نامه هویت، 66، صص 51-56.
5. قریبی، حسین (1398، 1 دی)؛ «ایران درباره تهدید امنیت خود به هیچ وجه کوتاه نمی آید»، روزنامه اعتماد، صص 8-9.
6. قریبی، حسین، نامدار وندایی، سالار. (1399). «شورای امنیت سازمان ملل متحد و شکل گیری رژیم مقابله با تروریسم. فصلنامه مطالعات راهبردی»، 23(89)، صص 255-282.
7. کدخدایی عباسعلی (1390)؛ «نقش سازمان های بین المللی در مبارزه با تروریسم، ضرورت بازگشت به واقعیت»، مجموعه مقاله های کنفرانس بین المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، صص 15-29.

ب. لاتین

8. Congressional Research Service (Update 2022), "Afghanistan: Background and U.S. Policy", 22 June, Available at: <https://sgp.fas.org/crs/row/R45122.pdf>
9. Christine Fair, C (2010), "Obama's New 'Af-Pak' Strategy: Can 'Clear, Hold, Build, Transfer' Work?", **The Center for International Governance Innovation**, The Afghanistan Papers no. 6, Available at: http://www.cigionline.org/sites/default/files/afghanistan_paper_6.pdf
10. Danish Institute for International Studies (2013), "Mona Kanwal Sheikh, where are we now? Reintegration, Reconciliation and Negotiation with Taliban", June 2013, Available at: <https://www.diis.dk/en/experts/mona-kanwal-sheikh>
11. Jean Charles and Guillaume Dasquie (2002), "Forbidden Truth: US-Taliban Secret Diplomacy and the Failed Hunt for Bin Laden", **Nation Books**
12. Krasner, Stephen D. (1983); **International Regimes**, Cornell University Press
13. New York Times (2009), "Obama Ponders Outreach to Elements of Taliban", 7 March 2009, Available at: http://www.nytimes.com/2009/03/08/us/politics/08obama.html?pagewanted=all&_r=0
14. Reuters (2011), "US Seeks to Split UN Taliban, Al - Qaeede Sanctions List", Available at: <https://www.reuters.com/article/idINIndia-57674820110613>
15. Reuters (2016), "Taliban wants removal from UN blacklist before peace talks", January 23, 2016, Available at: [Reuters.com/article/instant-article/induktre75c120110613](https://www.reuters.com/article/induktre75c120110613)
16. Security Council Resolution 1267, 15 October 1999, Available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N99/300/44/PDF/N9930044.pdf?OpenElement>
17. Security Council Resolution 1988, 17 Jun 2011, Available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/379/01/PDF/N1137901.pdf?OpenElement>

18. Security Council Resolution 1989, 17 June 2011, Available at:<https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/380/14/PDF/N1138014.pdf?OpenElement>
19. Security Council Resolution 2255, 21 Dec 2015, Available at:<https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N15/445/02/PDF/N1544502.pdf?OpenElement>
20. The Guardian (2010), “White House shifts Afghanistan strategy towards talks with Taliban”, Available at:<https://www.theguardian.com/world/2010/jul/19/obama-afghanistan-strategy-taliban-negotiate>
21. The New York Times (2014), “Karzai Arranged Secret Contacts With the Taliban”, Available at: <https://www.nytimes.com/2014/02/04/world/asia/karzai-has-held-secret-contacts-with-the-taliban.html>
22. UN Security Council (2011), “An Ombudsperson in the United Nations Security Council: a Paradigm Shift?” 29 June 2011, Available at: <https://www.corteidh.or.cr/tablas/r29688.pdf>
23. UN Security Council (2018), “Guidelines of the committee for the Conduct of its work”, 3 Dec, Available at: https://www.un.org/securitycouncil/sites/www.un.org.securitycouncil/files/guidelines_1988_committee_3_december_2018_english.pdf
24. UN Security Council (2018), “Guidelines of the ISIL (Da’esh) and Al-Qaida Sanctions Committee”, 5 Sep, Available at: https://www.un.org/securitycouncil/sites/www.un.org.securitycouncil/files/guidelines_of_the_committee_for_the_conduct_of_its_work_0.pdf
25. “United Nations designated terrorist groups and targeted sanctions” UNODC (2018), Available at: <https://www.unodc.org/e4j/en/terrorism/module-1/key-issues/UN-designated-terrorist-groups.html>
26. US News (2012), “President Obama Goes all In on Taliban”, **US News**, 2 May 2012, Available at: <http://usnews.com/news/article/2012/05/02/president-obama-goes-all-in-on-the-taliban>